علاه الدولة سمنانی و تفسیر عرفانی او

دکتر محمد رضا موحدی
استاد بازیگرهای مقدم

کلید واردها:
علاه الدولة سمنانی، تفسیر عرفانی، نجم الدين رازی، تفسیر بحر الحقائق، تفسیر مطلع الحقائق، نجم الدين كریم، یار فرقان.

علاه الدولة سمنانی و تکمیل تفسیری عرفانی
علاه الدولة سمنانی، عارف و نویسنده معروف قرن هفتم و هشتم، افرین بر کتاب و اسناد متعدد، دستی نیز در تفسیر باطنی قران داشته است. از در صفحه‌های آغازین تکمیل خود بر بحر الحقائق و المعاني به صراحت درباره
ابن تفسير و الكتيرة خود برای تکمیل آن سخن می گوید. عبارت شیخ علاء الدولة سمنانی
چنین است:

۷۰ و مقصودی‌می‌کنیم این کتابی که تفسیر نجمی و نهج و قرآنی و هم که شیخ علاء الدولة سمنانی
می‌دانیم دیاً قرآن و نهج و قرآنی نکته، همکاری نکته، همکاری نکته، همکاری نکته، همکاری
سورة نجوم، قارن عجیبان آن این زمان از الله لی در پیش صورتین، این اساس بوده و نکته و
جرخ از وقوع عجیب‌النامه‌ای از الیه البهایی و آهنگ‌های، الله تعیین اتمام
تفسیر و تفسیر بخشه، نهج نجوم تسخیر نجوم، و همین ایده به هم جمله و این نهایی مکمل
و اگرچه از نگارش این حالت یک‌انی که در اجازه سلیمان ممکن است برای سالک پیش
آمد، ابن بوده که خوانندگی این کتاب که به نجوم قرآن نامیابی‌شده و در حقیقت ادامهی این برای
تفسیر نجمی که شیخ تفوق یافته، نجوم، نجوم دیاً قرآن و رازی - خداوند تلاش او را بردارد
- ۷۰ راز عجیبی قرآن تاسروه نجوم نوشته، اینگامی که گر به سوره نجوم و رمزی، بفرست برای من
موجب شکنی است که ظریف به من تفسیر نجوم سورة نجوم و اتمام آن را اعتماد فرماید.
چون به سوره نجوم رسید و آن را عفوان، به بیماری دچار شد و سنتار در سنگین
یشپری به آسمن، ربوبی عزوع و خدای تعالی به من از الهام برکت که این تفسیر را به پایان می‌رسانم.
تفسیری که به خط از (شیخ نجوم، نجوم دیاً) نوشته می‌شود، به جلد برود و این تکمیل نزیک جلد
است نتبرکی باشد به تکل عشیره کامله(الفره/۳۰۴).

به شک شیخ علاء الدولة سمنانی با آن گستره‌ای که تفسیر کرده، شیخ را می‌خوانند و تفسیر نجمی قسیم را می‌دانند، می‌دهد.
یکی از بیشترین تاثیرات از یک کتاب نویسنده‌ای در این‌جنسیت چیزی که به تفسیر و قرآنی
البدست اگر کوچک یافت، با افتخار خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند، خداوند
دارای، پس با دارد تفاسیر مختلفی، تفاسیر مختلفی، تفاسیر مختلفی، تفاسیر مختلفی، تفاسیر مختلفی
خروج، برخی به این دلیل که شیخ نجوم، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی
نیستند، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی، قرآن و قرآنی.

به هر حال، سخن شیخ علاء الدولة سمنانی به عنوان گواهی عالم و صادق، آن هم در نیمه نخست
قرن هشتم بسیار مسئنی و قابل اعتماد است نسبت به نوشته کتابی که در حاشیه نسخه‌ای، شیخ
Downloaded from s-erfan.kashanu.ac.ir at 12:25 +0430 on Tuesday August 6th 2019
نجم الدين دایه را تکمیل کند. این تفسیر از سوره الغزلا (ب) داستانه است.

باذالدین که عبیرت تعلیمه از شیخ علاء الدین سمنانی درست در متن همان نسخه‌ای است که کتابی ناشنا، در پاروی بخش نخست آن (انهای آیه ۵۸ از سوره الغزلا) نوشته است: 

"...انهی المصنف‌آئی هدایا و توافتی رحمت لله و کم‌هما نجم الدين دایه تلمیذاً الشیخ - رحم‌هما الله تعالى و رحمائنا معهم - امین. مثنیه‌ن لفسه الحکیم خادم العلم الحطبی، دعای الملک القدیر محی الدین ابن حسین النبیکی الفقیر. اللهمی بسر لنا رضای و لقائی في الدارین برحمه میدانا محمد البیشیر و النذر و علی آلها مصی به ذوی الفوز الكبير، امین. تم التفسیر الشریف فی يوم الاربعاء و هو اليوم الثامن والعشیرین من شهر شوال المکرم مِن شهر سنته سبع و الف من الهجرة النبویة. الحمدلله رب العالمین."

ابن باداشت از سوی کتاب نسخه، افزون بر تأخیر فراوان آن نسبت به دیگر نسخه‌های

تفسیر بحتر الحقائق - که در جای خود ثابت شده است - به خاطر تفاوت آن با نسخه‌های دیگر تفسیر و اظهار نظر برگزاری چون نظام الکین نیشان‌های و علاء الدین سمنانی (ساساً قابل اعتماد) نیست. اما مع الافسف راهزن بررسی آزمخت (همچون پرفسور فریتس ماپر و شاگردانش)

gشته و آنان را رایین پندار آورده که تفسیر نجمی باقی از نجم کبیری و تکمیل کننده آن برای نجم الدین دایه باشد. در حالی که اگر بنابراین نجم الدین دایه، تنها نه کننده تفسیر باشد، طبق ادعای این کتاب، باقی از پس سوره الغزلا این را تکمیل کرد به‌خاطر خیالی خودی که نگه‌داشت همان کتابسوره‌های پس از الغزلا از مجموعه‌های شوند. نویسندگانی مشخص و قابل شناسایی دارند و قد مسلم می‌باشد که آنان نجیم دین دایه نسبت.

دو مدتی بانی می‌ماند: بی‌گناهی علاء الدین سمنانی و نام این خشخاش از تفسیر خود را انجم القران نهاده و آنان را از نام برکت سمنانی با داشتن تفسیر باطلی با نام مطاعلغط و مجموع اللغط ندارد. در واقع نجم القرآن سمنانی، بخش پایانی تفسیر مطاعلغط و نبوده که قصد تأیید آن را داشته است و به احتمال چنین توافتی نیافته است. بنابراین باقی گفت فعلاً از تفسیر مطاعلغط سمنانی، تنها بخش پایانی آن (نجم القرآن) در دست درست نرسخه در دست است. چرا که او خود به صراحت در پیان تفسیر فاتحه چنین می‌گوید: 

"هذا اوکه المجلد الربع عشرین من كتاب مطاعلغط و مجموع اللغط [اللغط] و من الطور"
الجملتعشیرنمنه...

نکته دیگر اینکه علاءالدوله سمننی در بازداشت خود آورده که نجم دایه تفسیر خود را تا سوره النجم رسانده و حتی النجم را آغاز کرد و سپس رحلت یافت است، که در اکثر نسخ معنی‌برنگی دیگری بایست تفسیر نرم دایه، آیه بایانی از سوره طور است. پس وجود نسخه‌های معنی‌برنگی این فخت است که نجم دایه تفسیر خود را انتهای سوره طور رسانده است و نه آیه هفده از سوره الاریان(آن گونه که دکتر محمد حسین ذهی در کتاب تفسیر و نفوسه مذکر شده است). احتمالاً در نسخه‌ای که شیخ علاءالدوله سمننی از این تفسیر در اختیار داشته است همچون برخی نسخ ناقص، سوره طور موجب نبوده و احتمالاً آیه ۱۸۸ سوره الاریان تفسیر نشده بوده و از این رو علاءالدوله سمننی، تکلیف خود را بایست نرفت تا نمی‌توان به تفسیر سوره فاتحه با تفسیر سوره طور و نجم آغاز می‌کند. به‌دستا می‌گردد که در نسخه اول نیز سوره طور وجود نداشته که نیاز به تفسیر مجدد آن دیده است.

به مناسب نیست که در پایان این بخش، اظهار نظر دانشمند محترم، آقای نجیب مایل هروی را که سال‌هاست در حوزه کتاب شناسی و نسخ شناسی آثار علاءالدوله سمننی فعالیت می‌کند، درباره تفسیر عربی علاءالدوله معروف به امتعلم اللفظ و مجمع اللفظ بخوانیم:

سعی دیکم در دیناره این اثر، از نظر موسیقی، معنی‌برنگی و اثباتگرایی بوده، که دیگر قبلاً داشته که در دولت روس، شده. می‌دانم نمایش و حفظ و فهرست آن کتاب صد و بی‌پره جزو نیست. اما کتاب معلوم اللفظ و مجمع اللفظ، ماموریه به نوشتن آن شد.»

همچنان که دیده سننی به جزئیات این کتاب و اینکه آن به موفقی است اشاره نکرده.

نخست این از این کتاب در کتابخانه ملی تهران به شماره ۱۰۰۴۶ میل مودای است و آن همان کتاب است که مضمون تفسیر عرفانی سوره‌های فاتحه، جزء طور، نجم، قمر، رحم، واقعه، حذف، مجامله، مفتخره، جمعه و تا آخر آن است.

مؤلف پیش از برداختن به تفسیر این نویسندگان، از جمله حکیم و عرفانی آورده و چنین آغاز می‌کند: «قال سید الشیخ العالم القطب الكامل ابن المکارم ابن محمد بن محمد بن احمد بایانیکی المعروف بعلاه الدوله السمننی... این تفسیر اولی از الاصطلاحات اللازم لای لانستفاده المستورد من معرفتها و استحضاها آن تصنیف این کتاب المستطاب.»
نیز معروف است که این تفسیر مكممل و منظم تفسیر نامه نجم دایه رازی است، به طوری که نجم در نفحات الانت (ص ۳۲۵) و محمدحسن ذهی در التفسیر و المفسرون (۴۹۳) می‌نویسد: نجم دایه تفسیری داشته به نام التأویلات النجمیه که تا آیه ۱۷ سوره والدراویات را تفسیر کرده بودو درگذشت و تفسیرش نامه ماند و علاء الدویلی کار دایه را تفسیر کرده طوری که بیه سوره والدراویات را تفسیر کرده ولیکن دانائی کار دایه را تفسیر سوره طور شروع کرد و تا آخر فی آن نوشته و نیز سوره فاتحه را نمجدتاً تأویل و تفسیر کرد.

آقای مایل هرودی پس از نقل عبارات مرحم استاد مقاله از مقدمه عشق و عقل (ص ۳۱) چنین می‌نویسد:

به هر حال درباره این تفسیر و ادای آن به معنی مطلع نقطه است که دیبانی کار عین النجم کبیر و تأویلات نجمیه باشد، نمی‌توان بدون بررسی دقیق از نسخ موجود نظر داد. اما گفتگی است که اولاً حکایت خریف به کشف الفظون (۰۲) تفسیری به سمنانی منسوخ می‌کند به نام «نجم الفظان» در تأویلات الفظان، که میان نام مزبور و اسم تفسیر دایه قرایی می‌توان جست. ثانیاً آقای فریدسی مایر در گفتاری که پیرامون نجم کبیر نوشته درباره تفسیر عین النجمه و تکمله‌ها و تدیل‌های آن بحث کرده و نسخه‌ای راز کتابخانه حکیم اولگلو به شماره ۲۴۴ شناسایی‌شده است به نام تفسیر عوارف، این نسخه از پس مقدمه‌ای که دارای تفسیر سوره طور شروع می‌شود یعنی همان سخنی که هبسیان ذهی پیرامون تأویلات نجمیه و نسخه دارالکتاب الحضریه گفته است...}

امامن اکثرا خوشنویسان مسیحی باربرسی‌های فروانی که میان نسخه‌های موجود مطلع نقطه و نیز به‌طور مفصل و جامع حفاق و معمایی، صورت گرفته است. ابترکه حبل‌الله به طور مفصل اعلام کرده است. اما یکی از نسخه‌ها و ترجمه‌ها است دیوانی که به همراه سروده شده است، می‌توان به اهمیت و تبدیلی استادان چون مایور، مجتبی مینوی و فریدسی، آقای چنیه آنچه اشاره‌ای درباره این است که تفسیری با جامعی از علاء الدویلی سمنانی، به گواهی نسخه‌های موجود، تکمیل کننده بحث الحقاقی رازی است و ارتباطی با عین النجم کاملاً تأویل نجم کبیر ندارد.

تفسیر سمنانی اخیر به نظر و شیوه‌ای کاملاً متفاوت با شیوه نجم الانت رازی دارد و از پیچیدگی‌های فروانی برخورد است. برای درک بیشتر این تفاوت و آشنایی عمیق تر باشوه تفسیری این دو مفسر عارف، محققی ای به اختصار را در این باب عرضه می‌داریم.
مقايسه ميان تفسير نجم الدين دايه و علاء الدولة سمنانی

شيخ رکن الدين ميان الدولة سمنانی، چنان که پیش از این به داشته، در ابتدای تکمله خود بحر الحقائق (از از امام تفسیر حضرت فاتحه) حجم و اندیشه مجلدات تفسیر خویش را- که آن را مطلع النگذی و مجمع النقطه می خواند- چنان معین می کند: «هذا أول المجمل الرايع عشرین من كتاب مطلع النقطة و مجمع النقطة، ومن الطور المجمل العشرين مجزئة و عدد مجملات كتاب مطلع النقطة من غير تفسیر موافقه، ثمانی و عشرون و تفسیر المواقف، وهي مائة و انسی و شنون الفا و مائین و انسی و شنون وقد وکتب باللهام شرح موضع من متانه ورد على قیاسها عليها يكون ثلاثة آلف و اربعمائت و خمسین و سنتین مجلدًا. كل مجلده اربعون رکاب ضریب عشرة اوراق، كل ورقة اربعون سطرًا.»

از عبارات فوق چنین بر می آید که سمنانی هنگام نوشتن این عبارت هنوز تفسیر مطلع النقطه کامل تکمله بوده است، او به این تکمله تفسیر بحر الحقائق، تفسیر خود را آغاز نهاد و جوان این تکمله او را به سوره های پایینی قرآن رسانده بود، با تفسیر سورة حمد می خواست ناطرک کل این تفسیر روان شد و حجم مجملات آن معلوم گردید.

از قلایه‌های که سمنانی در اواخر تفسیر سورة فاتحه بر قلم می آورد پیاده که این تفسیر حاصل تجربه های عرفانی او در سنین کهن سالی بوده است (می دانیم که سمنانی به سال ۶۸۶ هجری یعنی در حدود سی سالگی از خدمت دویانی رهایی یافته و پایی در طریقت و سلوك نهاد و همه آتارا ها حاصل نعمه دوم عمر اوست)، چرا که می نویسد: «و لولا ملاءی طبعی من الكتبة ليثبت طعون القرآن من اول الی آخره من هذه السورة الواحدة الجامعة

لمنفقات الاخلاق السياسية و والطبیة والعملیة الشامیة للمؤلفین والرفیع الاحکم المخضوصة باللغة الفائقة

و صبری می راهی ایفای رساله داخلیه و سبب همانی لملفی می تعلق به مراعی الامر واخذ

فیض ضیاء العلم من منبع النور و عدد من فتحها ماکتبی من عصری پانزده سنه و قلی اثرات الناس الناس به مدله و معاده

بین المفاحل الرحماتیة و كثرة اشتغال الخلیق با محرفات المتقلیدین و طامن العتصوینون و...»

از اینکه سمنانی از اهل روزگار خود شکایت سر می دهد که «انه از بسیار سال پیش تاکنون توشن بام، کمی درنیا یابد و مردم بیشتر به مرخفات فلسفه و گرزه های منصفه و... مشغول شده اند» به خویش می توان دریافت که یکی در دمینه ساخته است؛ و یکی از آنکه در چند سیره خود است، آنها که در تفسیر باتلی این آیه (سوره فجر، آیه ۹) کذب کرده کلمه فرموده که اهلی اینجا می‌گویند فکاراً و از آنها (و از آنجا) ظلم می کنند، به یاد سفر روحانی خویش می افتند که در پارک‌ها و آب‌ها و همین اطراف دیگر به جنون کردن بود و سوار رو روانی خویش می افتاد که در دمینه ساخت از سیر نفیس، همه اطراف دیگر به جنون کردن
وتهابي،(الشريف الدين عبد الرحمن أسفر، 1787-1941)، يعني مسيحي شيخ أبو حامد، دار الإفتاء.

في حسنوه سماه، سماه أو رأبه، وبدأته وزمها وجميلة، شمالي.

سماني، تفصيل ابن سفر روحاني، خوسيه، في رسالة سير للحالة، ذكره، أوردته، في.

وأสะสม، بريل، ها يتفحص شدة وصراف، ك سماه خود في مدفوعة أي رسالة دار، ين.

واقعت عرفاني در روسيونغه جماعي الآلة، 2012، في، در نزوحها من روئو على، كه.

سماني، اختيار كرد، بو، روي داده، است. 10 سماه، دار مطلع النقطة في، لن سير، رحانيات، في.

(ب) الانتي، عبقري السور، فاتحة، في مستر مربعه، هس، نسيب.

(ب) على، الخوصص، كنته سماه، في هيد، ين ازركب، ورا كرت، وإيغري، خوسيه.

(ب) أزتثي، به طبع، النقطة، ومجموع النقطة، كن. بداسته كه أي، نسر في.

(ب) شدة و، واسبين، آثار، شمل، علاء، الدول، بعد، است. هم، نكت، يفوهشغر، در يذير، اي، مدع.

(ب) ترديد، وادي، دار، خوسيه، توانتسه، باشد، ين، تعبر، خود، و.

(ب) جمل، تسري، (ب) جز، تسري، موقف، تلقي، 노ك، در، كل، جمل، جمل، جمل، جمل.

(ب) في، مناسب، نسيب، أكر، بخش، ين، اي، عبير، رحانيات، دربة، سفر، رحانيات، خودو، عكس، العمل.

(ب) أشنايا، أو در، خخصوص، نظر، بيفكيم.

(ب) (وكانوا، عبدنا) يعني، تلك، القوى، كاذبا، الطبقة، الأمورة، المظهرة، النفسية، بما، بلغت، أو، في.

(ب) النباتات، النفسية، في بداية، السدوك، وقلها، معجن، وازدجر. (ب) يعني، أزدج، بين، عصيبه.

(ب) العربية، هي، القوى، النفسية، فص، معجنة.

وهذه حالة في تفحة، ارازي، الانتي، إلى، الجنون، والد، عم، وجميع، أقرباء، و.

احياً، طلب، إشغالت، بالذكر، الخف، القوي، ظهرت، في، في، الليلة، الأولى، شريحة، شرارة، من، صدر، حتى، تحققت، بالسماء، طلب، فتح، في تسمى، عن، تمسك، مع، في، في، تميمة، من، الانتي، أنت، الانتي، بالذين، يقولون، في، حق.

صدى، ما هذه، المعاناة، للشرارة، في، ظلم، الليل، في، جوف، الانتي، المظلم، إلا، من، صدا، جدب، في، الدماغ، القوى، المكذبة، النفسية، يخوضون، ويستوعبون، عن، الذكر، القوى، الشيطانية، يشعكون، في، مشاهدة، الانتي، عميقة، ولا شيء، كان، غير، منشأ، إلى، اقفالهم، مشتغل، بالذكر، حتى، طبع، الصم، يملأ، خرجت، من، البيت، ودخلت، المسجد، لصلاة، الجمع، ظهر، على، فوق، سجدي، وعن، يعيب، وعن، قبلي، كواب، در، لا، يحبس، فحق، عنها، في، الظاهر، وانست، بها، في، الباطن، وز..."
بازی آنچه که اینک از تفسیر مطلع نقطه برای ما بایستی مانده است، همین است که در تکمیل
بیح الحداثات را نیاز و وجود داد و جلو از جلدگاه های نقشین این تفسیر اطلاعی در دست نیست (و
اساستبار دانیم که سمنانی آیا توفیق کرده یا جلدگاه نقشین را یافته است یا نه) و شاید در این
مقدمه تهدینی و قدس خود را در مورد نگارش (بانی تفسیری بر قلم اورده باشد) به ناچار آنها باید
براساس همین مؤثر با تکمیل ان که بی بحث الحداثات نوشته است، به قضاوت و بررسی بخشیدیم.
همان گونه که پیش از این مرحم می‌تواند و نیز محمد حسن ذهی با داور شدند، نتر سمنانی سپار
پیچیده وانی تر تر دایه در بحث الحداثات است، به گونه ای که همه بسیاری از عبارات آن جز برابر
اهل فن و آشنایان با اصطلاحات فلسفی و عرفان نظری مسرّه نیست.
برای این که جمل مربوط به جهت مقایسه تفسیر این دعاوی فراهم آید، با توجه به فراغ آبایی،
رفت که هر دور یک نسخه به تفسیر آن آیات برداخته باشدند. خوشنویسان و سمنانی خود با تجدید تفسیر
سوره حمد که در بحث الحداثات نیز وجود داشته است، به خوبی این آمکان را فراهم آورده است تا
بتوانید نوع تکریم و روای آیات، یا تکریم دیگر، مقایسه کنیم.
در این بخش به مقایسه تطبیقی نتر و نگارش سمنانی، با نتر و نگارش نمک دین دایه (در سورة
فاتحة الكتاب) خواهیم پرداخت. این مقایسه با تکفیک آیات و حفظ اختصار تفسیر صورت
پذیرفت اله است.

نجم الدین رازی در باب وجه تسمیه سورة فاتحة:

سمتّی اللفتاحة فاتحة لمعینین: احدها: انَّ لله تعالى بها تحفة لورب خزان الحداثات التي مفتن
قبلها من العلمين الا على حديث ونین ورسول في هذا الكتاب بعد انولد: فقه حنان الكلم التي
انزله على جميع ابنائه ورسله... والثاني: في النهاي فاتحة فتحات هذا الكتاب بأن لله تعالى ضمن
فيها حفاص مراتب الرواية ومراتب العبودية ومراتب الأمور الدنيوية ومراتب الأمور الأخریة التي
هذا الكتاب مشتمل عليها و...».

علاه: دولته در همین پاره:

الحفاظ القرآن المکه اینک در سّمتّای فاتحة الكتاب ان تفاعیل کل شی عالم الالهیت
و نقداعقیم المخزونه فيها سمّتّی ام القرآن لان ام الكتاب جبرئیلی و هو اصل الكتاب ودلقایه
المستونة فيها سمیت مبنی المائت لان اللطفان السبیدة غیریة مفگوتیة تحدثت بلسان الیباض و
السواد، وللقاییه المفروضة فيها سورة الحمد الواجب على الرجل الناسوی قرآناهی في الصلویة
التي هي معراج المؤمن و...

نجم الدين درباره «الرحمان رَبّ العالمين»:
«الحمَّدُ شَامل لكلننا و الشكر و الحمد، اما الاله فيكون بذراع بعض الصفات الحميدة، أئذ قلت: هذا رجل كريم فقد اثبت عليه، والشكر يكون على مثابه من المنعم باي معرفة ولايكون بذي الحمالات الحميدة و ينقي عنه جميع الصفات الشقيقة التي تمكنت فيه وليس من شأن المخلوقين أن يحمدوا الله بهذه المعاني الثلاثة حقيقة الا تقليدة أو مجازا...

رب العالمين: اشارة الى شكر انعم الروقيا على بريته.

علا الدولة درباره «الرحمان رَبّ العالمين»:
قال: «الرحمان رَبّ العالمين» ووصف الله الذي هو المخلص في العقد الأول الأحاد diễn له:

الرحمان الرحيمن ملك يوم الدين، اشارة الى مدح ذاته بجميع صفاته لطفله وقهره وجماله وجلاله في ملكاء، وملكية ملكيته في الدنيا والاخرة قبل خلقهما و فيه دلالة علنا ما أتينع وما شكر وما مدح الله احد الا الله، كما قال بعض المشايخ: مقال أحد الله الا الله، فلما عجز الحلق عن التناسف والشكر والمدح له...

علا الدولة درباره «الرحمان الرحيمن»:
ثم وصف بالرحمان المخلص بالعقد الثاني العشرين الجبروفي للدليل القائم بالحقائق:

يحمده على رحمة العامة الشاملة لجميع الموجودات بعد حمده على ربيته في الاطوار المختلفة ثم وصف بالرحمان المخلص بالعقد الثالث المطلق الملكي للدليل المنوط بالدليل القائم بالحقائق ليحمس على رحمة خاصة المحيطة بالمؤمنين في الالب الاخرة وقوله: «كان بالمؤمنين رحيمنا» بدل على صدق هذا البيان و يباعا النبي لهذا التقرير شاهد عدل وهو قوله: «يا رحمان الدنيا ورحمان الآخرة».

نجم الدين درباره «مالك يوم الدين»

اشارة فيه ان الدين في الحقيقة الإسلام، يغلبه عليه قوله تعالى: «الدين عندنا الهل الإسلام» والاسلام.
على نوعين: إسلام الظاهرة واسلام الباطن. فـ، إسلام الظاهرة ينظر إلى الصحابة وعمل الأمراء كقوة تعالى،
(ولكن قولوا أسلموا وليدخلوا الأفان في قلوبكم،) وقال في جواب سؤال جبريل: مـ، إسلام قال:
"الإسلام إن تشهدن على الله ألا الله وإن محمدا رسول الله وتقبل الصلاة وتؤذى الزكاة وتصوم رمضان
وتحج البيت إن استطعت به سبلا؟ "هـ، هـ، إسلام جـ، إسلام وحسن ديوان عـ، وـ، عن الله
بالظلمة. و، إسلام الباطن فـ، انشقاق القلب والصدور نوره الله تعالى: "أقسم حرّه صدره
لإسلام فهـ، نور من رنه، "هـ، إسلام الروحاني "نوران يعبر عن اليوم بالثور...

علـ، الدولة دربارة "مالك يوم الدين":
ثم وصف بالله مالك يوم الدين، ليقفوا "هـ، إسلام ضرية قبل خلق العالم وظهـ،
ما رجع من الهيب إلى الخطاب وأيما رجع إلى الخطاب من الغيبة لأنه ليس بين الملوك ومالكه
الأخيرون مثلك نفس الملوك...، كنابه: في معنى تعذب تحقيقه أي نحلة ونخلص ونفع و
نخضع، وقيل: العبادة سـ، سـ، النفس على حمل المشاق في الطاعة وثاثه: في خصور قوـه
تعذب ذكر بلطف الجوع وذلك لأن اللسان نفسه وقلب وروح وسر ورف...

علـ، الدولة دربارة "باـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، N

 глала لعصاب
عرفاني
شماره دوم
زمستان 136

نجم الدين دربارة "باـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، نـ، N

 علاـ، الدولة دربارة "باـ، نـ، نـ، نـ، نـ، N

 نجم الدين دربارة "باـ، نـ، N

 علاـ، الدولة دربارة "باـ، N

 اهدانا الصراط المستقيم: "هـ، عـ، نـ، نـ، نـ، N

 الاختصار: "هـ، عـ، N

 لقوله: "ربنا الذي أطعك كل شيء خلقه ثم هدى" قال: "الم تحصل له عينين ونسانًا وشفتين"
وعندما نرى من هداية المؤمنين إلى الجنة، قوله تعالى: (بُهدِيهِم رَبُّهم بِأيامِهِمَّ) الآية.
وأما هداية الاحرار فهي هداية الحقيقة التي من الله إلى الله، قوله تعالى: (قل إن هدى الله هو الهدى) هذه الهداء من الله. قوله تعالى: (إِن ذَاهِبًا إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ) قال...\.

علاء الدولة: 137

وعندنا الصبرائه المستقيمة وهي إدراك من الخطط الموهوم بين النزول والضياء، والهداء إليها والانغماس عليه لا يمكن إلا التوفيق الحق ثم يتمعك بان الصبراء المستقيمة إلى هدى إليه خواص عباده وانعم عليهم بالاستقامة عليه هو الذي ما كان شرقيا صاحب تفريع ونكان غريبا صاحب افراط، بقوله صبراء الذين انعمت عليهم بالاستقامة بعد الهداءة.

نجاح الدين دربارة: (صراراه الذين انعمت عليهم) الآشارة فيه إلى طريق من انعمت عليهم بنعمة كشف الحقيقة وتكرار الصبراء: اشاره إلى ان الصبراء الحقيقى صرارات من العباد الى الررب صرارات من الررب إلى العباد، فالذي من العباد الى الررب طريق خفي كانت فيه القوافل والقطع به الرواح...\.

نجاح الدين دربارة: (غير المغضوب عليهم ولا الضالين) نجاح الواحدي: غير المغضوب عليهم بالخالفة والعصيان، ولا الضالين عن الدين والامان.

قال الشعير: غير المغضوب عليهم بالبودعت ولا الضالين عن السنة، نبات:هم الذين اختظاهم ذاك النور حين رش عليهم من نوره، فضلوا في نهوى النفس وناءوا في ظلمات الطبع والتقدير...

علاء الدولة: 137

نجاح الدين دربارة: (غير المغضوب عليهم ولا الضالين) مكره، راجين من كرمه حتى يجروا على الجسر ويدخلوا دار السلام ويرفوا بالسلام، كما اخبرنا الله الخلاص في الكلام المقدس في سلم علىكم طلبهم فادخلوها خالدين، والخوف والرحجا جانا للطائر فوق الجسر....\.

أنجب من مقاسة همين مختصر نبى مرسى ما أبدى، اين است كثر وتفكر شيخ علاء الدولة سمعاني في تفسير عرفاني خود، بسم سنگين ترو بچیده ترازون وشیوة تفسیرین نجوم الذين رازى است همجنين في عبارات شيخ نجم الدين رازى، متقولاتي از دیگر مشايخ صوفیه نبی باعین عبارات ویابه شیوه نقل.
به معنی دیدگی می‌شود، ولی در شیوه علاءالدوله سمنانی این نقل قول یا اساساً وجود ندارد و اگر هست به شکلی ماهر این در و حلق شده است و بیانگر تکیه بر استنباط‌های ذوّقی و کامال‌شخصی از لایه‌های درونی قرآن است.
6.بحر الحفاظ والمعاني في تفسير سبع المتنان، تفسيري است تأويلي وبرمذاق عفارانه كه ابتداي فران نا
7.اينداي سوره النجوم في برادر وتأليف شيخ نجوم الدين دانيه صاحب مرجود الاعداد است.
8.بحر الحفاظ والمعاني، نسخه كتبانه ملك جزء 1، شماره 1398، 8.2.17.
9.نطالب ببحر الحفاظ والعناية، نسخه كتبانه ملك شمال، شماره 1398، 8.2.17.
10.علماء الدولة سيمياني، جهان ماجحي، دار غروان، ميلان، 1389.
11.نطالب ببحر الحفاظ والعناية، نسخه كتبانه ملك جزء 1288، 8.2.17.

مراجع:
- بحر الحفاظ والعناية، نسخه كتبانه ملك جزء 1378، 8.2.17.
- بحر الحفاظ والعناية، نسخه كتبانه ملك جزء 1379، 8.2.17.
- تاريخUniمنlay: محمد الله مستوفي، به اهتمام عبدالفلاح نواي، اميركوه، 8.2.17.
- التفسير المفسر به، محمد حسين ذهبي، دار الحكمة، 8.2.17.
- مكتبة بحر الحفاظ، نسخه كتبانه ملك جزء 1379، 8.2.17.
- جهان ماجحي: دار غروان، 8.2.17.
- ازدرار الكائن في غير المقالة الثامن: اب حجي العسقلاني، دار الجيل، 8.2.17.
- العامة والشريعة في عناية الدولة سيمياني: تفسيري نجوم ميلان، 8.2.17.
- عقل وفطنة: جمجم رازم: تفسيري نجوم ميلان، 8.2.17.
- ازدرار الكائن في غير المقالة الثامن: اب حجي العسقلاني، دار الجيل، 8.2.17.
- مجمع فصيح احمد بن محمد: تفسيري نجوم ميلان، 8.2.17.
- مجمع فصيح احمد بن محمد: تفسيري نجوم ميلان، 8.2.17.
- مجمع فصيح احمد بن محمد: تفسيري نجوم ميلان، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع سعيدان و متعمق بحرون: عبد الرحمان مسعود، 8.2.17.
- مجمع سعيدان و متعمق بحرون: عبد الرحمان مسعود، 8.2.17.
- مجمع سعيدان و متعمق بحرون: عبد الرحمان مسعود، 8.2.17.
- مجمع سعيدان و متعمق بحرون: عبد الرحمان مسعود، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.
- مجمع مقدمين مفيدين: محمد مصطفى رضا، 8.2.17.